

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: یوری باریسوف (YURI BORISOV)

برگردان: ا. م. شبیری

۱۲ جنوری ۲۰۲۳

قانون هرم وارونه یا سرنوشت رعیت اروپا



photo: unbekannt

امیدواری غرب به تصاحب کل حریم پسا شوروی

ینس ستولتنبرگ، دبیرکل ناتو هرگز به خود اجازه نمی‌دهد علناً از مواضع بی هیچ تفاوتی با موضع واشنگتن و لندن صحبت کند. هر آنچه را او می‌گوید و انجام می‌دهد، می‌توان به عنوان اجرای دستورالعمل‌های مراکز انگلوساکسون دانست. برای این کار حتی می‌خواهند او را با اعطای جایزه صلح نوبل تشویق کنند.

این نامزد جایزه نوبل، به روایتی، معروف به «صلح یعنی جنگ»، به مناسبت سال جدید در مدت پنج دقیقه تزهائی را اعلام کرد که هیچ تردیدی در اولویت‌های مسیر ستراتیژیک غرب باقی نمی‌گذارد. اما این اولویت‌ها برای شرکای اروپائی انگلوساکسون‌ها نوید خوبی نمی‌دهد.

در اصل، صحبت از ادامه سیاست ضد اروپائی قبلی با هدف تقویت تقسیم اروپا در خط پیشروی ناتو به شرق با چشم‌انداز تصاحب کل فضای پسا شوروی توسط غرب در میان است.

در عین حال، مسائل مربوط به منافع اقتصادی خود کشورهای اروپایی عضو ناتو نیز به آینده برنامه دور ماکول می‌شود. در واقع روبروئی سیاسی به عنوان اساس چنین هرم وارونه عمل می‌کند و پایه اقتصادی به روبروئی سست آن تبدیل می‌گردد. در طبیعت، چنین سازه‌ای قابل دوام نیست. اما در شرایط سرکوب حاکمیت ملی اکثر کشورهای تابع ایالات متحده، این ممکن است برای مدتی کارساز باشد.

ستولتنبرگ تصریح می‌کند که از این پس، نه ناتو و نه اربابان واشنگتن آن اصولاً به اقتصاد اروپا علاقه ندارند: «وابستگی به رژیم‌های استبدادی خطرناک است. چندی پیش، بسیاری بر این باور بودند که خرید گاز از روسیه یک موضوع کاملاً تجاری است. واقعیت این است که این یک موضوع سیاسی است. صحبت از امنیت ما در میان است. تجارت هم سیاست است. ما نباید این اشتباه را با دیگر رژیم‌های استبدادی تکرار کنیم. این، حداقل در رابطه با چین نیز صادق است. ما نباید با وابستگی بیش از حد به مواد خام و محصولات حیاتی، خود را آسیب‌پذیر کنیم. ما نباید فناوری صادر کنیم که آن هم به نوبه خود می‌تواند ما را تهدید کند. ما نباید کنترل زیرساخت‌های حیاتی مانند بنادر، راه‌آهن، مخابرات، شبکه‌های جی‌دی‌اچ را که هم برای جامعه مدنی و هم برای فعالیت‌های نظامی مورد نیاز است، از دست بدهیم. ما به تجارت با چین ادامه خواهیم داد. اما این باید به گونه‌ای انجام شود که امنیت ما را خدشه‌دار نکند. این، مسئولیت مشترک ماست... اغلب گفته می‌شود که جنگ آنقدر جدی است که نمی‌توان آن را به عهده جنرال‌ها واگذار کرد. فعالیت‌های تجاری نیز به همین ترتیب، می‌توان گفت که آنقدر جدی است که نمی‌توان آن را تنها به صاحبان کسب‌وکار واگذار کرد».

تهدید فزاینده «ارزش‌های غربی» از سوی «ائتلاف رژیم‌های استبدادی»، مبنای وجودی این هرم وارونه اعلام می‌شود:

«رژیم‌های استبدادی همکاری خود را گسترش داده‌اند. چند هفته قبل از حمله روسیه به اوکراین، رئیس‌جمهور پوتین و رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ در بیجینگ با یک دیگر دیدار نمودند. آن‌ها یک مشارکت ستراتیژیک نامحدود اعلام کردند. روسیه و چین بیشتر تمرین می‌کنند و از نظر نظامی با هم کار می‌کنند. همکاری اقتصادی آن‌ها رو به گسترش است. چین حمله روسیه به اوکراین را محکوم نکرده است. به عکس، آن‌ها با تقبیح ناتو، روایت روسیه را ترویج می‌کنند. چین برای نخستین بار از درخواست روسیه مبنی بر بستن درهای ناتو به روی کشورهای عضو جدید حمایت کرد. نه تنها همکاری بین روسیه و چین تقویت می‌شود، حتی روسیه در حال برقراری روابط هر چه نزدیک‌تر با دیگر رژیم‌های خودکامه مانند ایران و کوریای شمالی است. این‌ها رژیم‌های متفاوتی هستند، اما بر اساس این واقعیت که نظم جهانی بدیل را ترویج می‌کنند، متحد می‌شوند. آن‌ها از ارزش‌های ناقض اعتقاد ما به آزادی و دموکراسی، دفاع می‌کنند. در دنیای خطرناکتر امروزی، مهم‌تر این است که ما معتقدان به آزادی و دموکراسی با هم متحد شویم... زیرا ما ارزش‌های یکسانی داریم و در اتحاد با همدیگر، بسیار قوی‌تر از تنهایی هستیم. ناتو نماینده ۵۰ درصد قدرت اقتصادی و ۵۰ درصد قدرت نظامی جهان است. این، به نوعی نصف جهان است... و تا زمانی که ما از ناتو مراقبت کنیم، ناتو نیز از همه ما مراقبت خواهد کرد».

خلاصه گفته‌های ستولتنبرگ این است، که از اروپا دعوت می‌کند تا برای آماده شدن به یک جنگ بزرگ، همه چیز خود را قربانی کند. جنگی که در آن خود اروپا از منظر جغرافیایی در خط مقدم روبروئی با «شرق متجاوز» قرار دارد و نقش غیرقابل غبطه، اما آشنای هیزم برای آتش کارفرمایان آنسوی اقیانوس‌ها را به عهده بگیرد.

این یک واقعیت روشن است که اروپا به ایفای چنین نقشی عادت کرده است. آن را آنگلو ساکسون‌ها در هر دو جنگ جهانی با موفقیت آزمایش کردند و اروپائی‌ها بیشترین تلفات را در جهان غرب متحمل شدند. و آنسوی اقیانوسی‌ها به هر کار ممکن و حتی غیرممکن دست خواهند زد تا اروپا هر گزینه دیگری را کنار بگذارد.

به همین دلیل بود که «خطوط لوله گاز نورد استریم» منفجر شد تا دست‌نشانندگان اروپائی حتی امیدی واهی به امکان بازگشت به نظم جهانی مناسب برای آن‌ها را نداشته باشند. الکسی پوشکوف، یکی از اعضای شورای فدراسیون روسیه، این را بخوبی بیان کرد: «آنچه را که من شکاف بزرگ بین اروپا و روسیه می‌نامم، اتفاق افتاد. المان با امتناع از گاز روسیه از طریق نورد استریم، ستون فقرات روابط قدیمی را شکست. و تضعیف نورد استریم و نورد استریم ۲، حتی به احتمال نظری از سرگیری جریان گاز به المان را پایان داد. توقف عرضه گاز روسیه که اساس روابط ویژه بین مسکو و برلین، حتی در دوره جنگ سرد بود، وضعیت را به دوره قبل از قرارداد معروف خط لوله گاز که بیش از ۵۰ سال پیش در زمان برژنف و برانت بین اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری فدرال المان امضا شده بود، برمی‌گرداند. امروزه، از یک سو، کنترل بخش اروپائی پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) توسط عناصر آنگلو ساکسون تقویت می‌شود. از سوی دیگر، دست‌نشانندگان اروپائی مانند یک هرم وارونه یا دمی عمل می‌کنند که سگ را تکان می‌دهد. به این معنا که سیاست آنسوی اقیانوس‌ها تلاش می‌کند تا اقتصاد اروپا را برای همیشه کنترل نماید. در دنیای وارونه، زمانی که «آن‌ها نمی‌خواهند و دیگران نمی‌توانند»، یک تضاد عینی بین زیربنای اقتصادی و روبنای سیاسی پدید می‌آید و این تناقض تا زمانی که نظام جهانی به وضعیت بحرانی و انفجاری نرسد، تشدید خواهد شد. با این حال، در پشت اقتصاد اروپا، به عنوان قربانیان اصلی، صدها میلیون مصرف‌کننده ایستاده است که هر روز بیش از روز پیش احساس فریب می‌کنند.

با این وجود، برگزارکنندگان بازی انتظار دارند که این بار بتوانند انرژی ویرانگر هرچ و مرج اروپا را به سمت مورد نیاز خود، به سمت شرق هدایت کنند و روسیه را به عنوان مانع اصلی در برابر سلطه بلامنازع خود بر جهان حذف کنند. برای انجام این کار، آن‌ها آماده‌اند نه تنها بخشی از اوکراین، حتی کل اروپا را هزینه کنند.

[مأخوذ از تارنمای بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۲۰ دی - جدی ۱۴۰۱